

Course Title: Analytical Study of Contemporary Persian Literature

Ph.D. Session 2019 -2024

Course Code: 705

Credit Hrs :03

ادبیات عصر بیداری چیست؟ ویژگی‌های ادبیات دوره بیداری را معرفی کنید

مرحله تحولی که شعر و ادب عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی بی‌سابقه بود. پیش از آن تغییراتی در همه شئون فرهنگی و اجتماعی روی داده بود. مردم به پاره‌ای آزادیها دست یافته بودند، سواد و دانش اجتماعی عمومیت یافته و مردم حقوق سیاسی و اجتماعی خود را درک کرده بودند. این اصل هم برای اکثریت مردم و هم برای حاکمیت سیاسی جامعه پذیرفته شده بود که لازم است مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند؛ از این پس همه چیز به نوعی با جامعه و مردم ارتباط پیدا می‌کرد. بنابراین ادبیات هم مثل دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورد و انعکاس ارزشهای اجتماعی را وجهه همت قرار داد. روی این اصل از شعر و ادب این دوره دیگر نه به عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه‌های بالای حاکم و افراد محدود، بلکه همچون امری مردمی و متعلق به گروه‌های وسیع جامعه باید سخن گفت که به جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه‌های بالای اجتماع، از طریق مطبوعات متعدد و رنگارنگ با محتوای سیاسی و انقلابی مورد علاقه همگان، مخاطبان خود را در گوشه و کنار شهرستانها و حتی روستاهای کشور پیدا کرد

ویژگی‌های ادبیات دوره بیداری

- از نظر کارکرد و دایره شمول، ادب این دوره عمومیت یافته و به عنوان زبان برنده نهضت در اختیار مطبوعات قرار گرفته است.

- جهان‌شناسی ادیبان با الهام از مقتضیات جهانی دگرگون شده و از کلی‌نگری و ذهنیت، به جزئی‌بینی و عینیت گراییده است.

- از نظر ساخت فنی، یعنی زبان و موسیقی، مخصوصاً شعر بیداری دو مسیر مجزا و نسبتاً متفاوت را در پیش گرفته است: گروهی مانند ادیب‌الممالک فراهانی و محمدتقی ملک‌الشعرا بهار با آگاهی لازم پیوند تام و تمام خود را با سنت‌های ادبی گذشته استوار نگه داشتند و گروهی مانند میرزاده عشقی، سید اشرف‌الدین گیلانی و عارف قزوینی که ذاتاً با ادب دیرین فارسی انس چندانی نداشتند، زبان کوچه و بازار را برگزیدند و با صمیمیتی که در این طریق از خود نشان دادند، از قبول موقت همگانی هم برخوردار شدند.

- از نظر کارکرد و دایره شمول، ادب این دوره عمومیت یافته و به عنوان زبان برنده نهضت در اختیار مطبوعات قرار گرفته است.

-جهان‌شناسی ادیبان با الهام از مقتضیات جهانی دگرگون شده و از کلی‌نگری و ذهنیت، به جزئی‌بینی و عینیت گراییده است.

- از نظر ساخت فنی، یعنی زبان و موسیقی، مخصوصاً شعر بیداری دو مسیر مجزا و نسبتاً متفاوت را در پیش گرفته است: گروهی مانند ادیب‌الممالک فراهانی و محمدتقی ملک‌الشعرا بهار با آگاهی لازم پیوند تام و تمام خود را با سنت‌های ادبی گذشته استوار نگه داشتند و گروهی مانند میرزاده عشقی، سید اشرف‌الدین گیلانی و عارف قزوینی که ذاتاً با ادب دیرین فارسی انس چندانی نداشتند، زبان کوچه و بازار را برگزیدند و با صمیمیتی که در این طریق از خود نشان دادند، از قبول موقت همگانی هم برخوردار شدند.

از نظر درونمایه نیز در شعر فارسی عصر بیداری تحولاتی رخ نموده بود که می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد:

- 1- آزادی، که در اینجا تقریباً به مفهوم دمکراسی غربی نزدیک می‌شد. کلمه «آزادی» در فرهنگ گذشته ایران به این معنی به کار نمی‌رفت و بیشتر مرادف با «حریت» و «اختیار» و یا نقیض جبر و اسارت بود.
- قانون، که همه تلاش مشروطه‌خواهان برای استقرار و حاکمیت قانون بود. بنا بر این اصل، یکی از عمده‌ترین مطالبات مردم و ادیبان در روزگار مشروطه همین قانون‌خواهی بود.
- وطن، به معنای سرزمینی که مردمانی با مشترکات قومی، زبانی و فرهنگی در آن زندگی می‌کنند، مفهوم تازه‌ای بود که از عصر مشروطه برای مردم ایران معنی پیدا کرد. قبل از آن، وطن بیشتر به معنی زادبوم و سرزمینی بود که شخص در آن پرورش یافته بود.
- تعلیم و تربیت نوین و لزوم تعمیم آن به زن و مرد، موضوعی بود که در ادبیات این دوره مطرح شده است و به‌ویژه با ظهور صنعت چاپ و نشر و همگانی شدن مطبوعات، نیاز به آن بیشتر احساس می‌شد.

- توجه به علوم و فنون جدید، که در واقع از ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی دوره‌های پیشین نشأت می‌گرفت.

- تأثیر فرهنگ غربی، که بسیار کم‌رنگ و در آغاز به واگوکردن واژه‌ها و الفاظ محدود بود، بعدها پررنگ‌تر شد و کم‌کم به مرحله اخذ و اقتباس از مفاهیم فرهنگی غرب و واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با مسیحیت هم نزدیک گردید.

7- فقدان علاقه و اعتقاد به مفاهیم ذهنی، و از آن جمله کلی‌نگری اخلاقی که تا حدودی ناشی از نوع نگاه غربی بود. بنابراین از توجه به مضامین عرفانی و باورهای متافیزیکی و مفاهیم دینی کم‌کم کاسته شد و جای آن را توجه به مفاهیم این جهانی و غیردینی (سکولار) گرفت

توجه به مردم و توده‌های اجتماعی یکی از ویژگیهای شعر و ادب عصر مشروطه بود؛ بدین‌سان شعر هم از نظر مفهوم و هم از نظر زبان و قالب و حتی تخیل به صورتی درآمد که می‌توانست پیام شاعر را به عامه مردم منتقل کند. هرچند این ویژگی در شعر گروه ادبا و سنت‌گرایان مانند بهار و ادیب و برخی دیگر از ادیبان دوره قبل مانند ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری، میرزا حبیب خراسانی و شوریده شیرازی کمتر محسوس است. این امر و اشتیاق برخی از شاعران برای انعکاس خواسته‌ها و نیازهای توده‌های مردم و آشنایی و ارتباط گروهی از ایرانیان با جریانهای ادبی و اجتماعی در آستانه انقلاب اکتبر 1917 روسیه، سبب شد که شاخه‌ای از ادبیات به ویژه در شعر فارسی عصر بیداری، نیازها و محرومیت‌های توده‌های مردم را موضوع اصلی خود قرار دهد و به دفاع از حقوق محرومان و رنجبران برخیزد. از این ویژگی، یا به عبارت بهتر، از شاخه‌ای که این ویژگی را بیشتر در خود منعکس می‌کرد، به «ادبیات کارگری» یاد می‌کنیم که به خصوص کسانی مانند فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی و محمدعلی افراشته علاقه و اعتقاد بیشتری بدان نشان داده‌اند.

شهرها و مراکز مهم ادبی شعر ملی مشروطه که با طرفداری از آزادی و با چهره‌ای ضد استبدادی به میدان آمد، از طریق مطبوعات و روزنامه‌ها در خدمت مردم قرار گرفت و به انعکاس آرمانهای ملی آنان روی آورد. تقریباً از همان آغاز روی کار آمدن دولت قاجار، تهران به عنوان پایتخت به صورت مهمترین مرکز جنب و جوش ادبی مملکت درآمد. در عصر بیداری هم، به دلیل آنکه بیشترین فعالیتهای سیاسی و مطبوعاتی در تهران متمرکز شده بود، شعر و ادب هم حوزه جغرافیایی خود را بیشتر به تهران منحصر می‌دید؛ بهتر بگوییم، از آنجا به شهرستانها منعکس می‌شد. حتی بیشتر خوانندگان روزنامه معروف نسیم شمال که در رشت منتشر می‌شد، اهالی پایتخت بودند.

بعد از تهران، بازار سیاست و مطبوعات در تبریز از همه جا گرمتر بود، بیشتر شاید به این دلیل که اولاً تبریز بر سر راه اروپا قرار داشت و تازه‌ترین اخبار و اطلاعات که از استانبول و کشورهای غربی می‌رسید، ابتدا در این شهر و بعد در تهران منتشر می‌شد؛ ثانیاً موقعیت جغرافیایی و وضعیت این شهر به لحاظ همسایه بودن با ترك‌زبانان کشورهای ترکیه و جمهوری آذربایجان، به عنوان مقر ولیعهدان قاجاری و در واقع به عنوان پایتخت دوم کشور انتخاب شده بود و همین امر سبب گردیده بود که در این شهر جنب و جوش فکری و سیاسی بیشتری پدید آید، کما اینکه وقتی محمدعلی شاه بر تهران مسلط شد و دوران استبداد صغیر آغاز گردید، تبریزیان به رهبری ستارخان و باقرخان و با یاری مجاهدان گیلان و بختیاری توانستند موجبات رهایی پایتخت را از چنگال استبداد فراهم آورند. بعد از تبریز، رشت و اصفهان و مشهد و شیراز هم در مرتبه‌های بعدی به عنوان مراکز جنب و جوش ادبی مطرح بودند